

به نام خدا



گاو نیشسته



سرشناسه

اسپینر، استفانی، ۱۹۴۳ - م.
- Spinner, Stephanie, 1943

گاو نیستسته / نویسنده استفانی اسپینر؛ تصویرگر جیم الدریج؛ مترجم محمدرضا افضلی.
تهران: شرکت انتشارات فنی ایران، کتاب‌های نردبان، ۱۴۰۳.
۱۱۲ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

کی؟ چی؟ کجا؟

978-622-344-378-7

Who Was Sitting Bull:

سیتینگ بول، ۱۸۳۱ - ۱۸۹۰ م

سرخیوستان داکوتا - سرگذشتنامه - ادبیات کودکان و نوجوانان
سرخیوستان هانک‌پایا - سرگذشتنامه - ادبیات کودکان و نوجوانان

الدریج، جیم، تصویرگر

افضلی، محمدرضا، ۱۳۳۱ - مترجم

E۹۹

[ج]۹۷۸/۰۰۴۹۷۵۲

۹۸۰۵۴۶۰

عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری

فروست

شابک

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



شرکت
انتشارات
فنی ایران

کتاب‌های
نردبان

گاو نیستسته

نردبان بنفش - عمومی | کی؟ چی؟ کجا؟ | کد کتاب ۱۱۶۴

نویسنده استفانی اسپینر Stephanie Spinner

تصویرگر جیم الدریج Jim Eldridge

مترجم محمدرضا افضلی

مدیر هنری کیانوش غریب‌پور

صفحه‌آرا زهرا زینت‌لو

طراح جلد مهسا فرهنگ‌نیا

چاپ اول ۱۴۰۴ | ۲۰۰۰ نسخه | چاپ اخترشمال



حقوق چاپ و نشر این اثر متعلق به شرکت انتشارات فنی ایران است.

📍 میرعماد، شماره ۲۴، تهران ۱۵۸۷۷۳۶۵۱۱

☎ ۰۲۱-۵۴۹۵۹۰۸۸۵۰۵۰۵۵

📧 entesharat.com | 📧 info@entesharat.com | 📧 nardebanbooks

📧 @entesharat | 📧 @nardebanbooks



کاغذ این کتاب از جنگل‌های
صنعتی مدیریت شده
تهیه شده است.



گاو نشسته

استفانی اسپینر

تصویرگر: جیم الدرچ

مترجم: محمدرضا افضلی



entesharat.com

فهرست

فصل ۱

آرام | ۱۱



فصل ۲

گاو نشسته | ۱۸



فصل ۳

رئیس جنگی | ۳۳



فصل ۴

رهبر قوم سو | ۴۰



فصل ۵
طلا | ۶۳



فصل ۶
لیتل بیگ هورن | ۷۵



فصل ۷
تسلیم | ۸۷

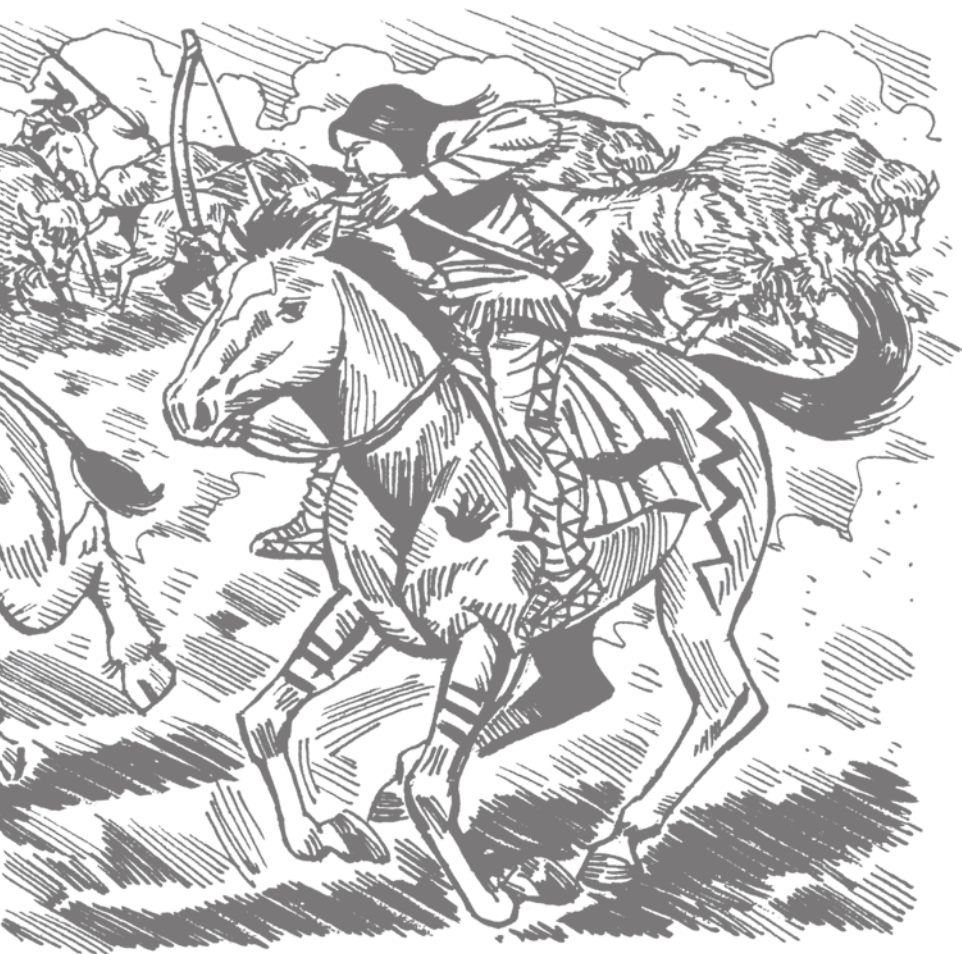


سیر تاریخی زندگی گاو نشسته | ۱۰۸

سیر تاریخی جهان | ۱۰۹

گاو نشسته ده ساله بود که برای اولین بار به شکار بوفالو رفت. او پسر بچه‌ای بود که در جمع گروهی از جنگاوران ماهر در این شکار شرکت کرد. تیر و کمانش را خودش ساخته بود و با آن به شکار پرنده، خرگوش و سایر جانوران کوچک رفته بود. اما هیچ وقت بوفالو شکار نکرده بود.





بوفالو غذا و لباس افراد قبیله را تأمین می‌کرد. از پوست بوفالو
 خیمه می‌ساختند. در نظر افراد قبیله لاکوتاسو، بوفالو از هر جانور
 دیگری با ارزش‌تر بود.



بوفالوها خیلی بزرگ بودند و گاهی وزن آن‌ها به نهصد کیلوگرم می‌رسید. وقتی شکارچی‌ها تعقیب گله بوفالو را شروع کردند، بوفالوها رَم کردند؛ گاو نشسته همه چیز را با دقت تماشا می‌کرد. چشمش به بوفالوی جوانی افتاد و سوار بر اسب کوچک خود، آن را دنبال کرد. دو بار با کمان خود به طرف بوفالو تیر انداخت و آن را از پا درآورد.

هنگامی که شکارچی‌ها به خیمه‌های خود برگشتند و شکار را تقسیم کردند، گاو نشسته بوفالوی خود را به خانواده‌ای داد که چیزی برای خوردن نداشتند. دفعه بعد هم که به شکار رفت، و بسیاری دفعات دیگر هم، همین کار را کرد. قبیله لاکوتا سخاوت و بخشندگی را تحسین می‌کرد، اما معمولاً این کار برای پسری نوجوان عادی شمرده نمی‌شد.

بعدها گاو نشسته، رئیس بزرگی شد. او در جنگ‌های سخت و طولانی که، برای حفظ زمین‌ها و شیوه زندگی سرخ‌پوستان، درگرفت، رهبری بسیاری از قبایل سرخ‌پوست را به عهده داشت. او که تا دم آخر زندگی بخشنده بود، هرچه را داشت برای کمک به مردم خود داد.

فصل ۱

آرام



هنگامی که گاو نشسته در بهار سال ۱۸۳۱، در داکوتای جنوبی به دنیا آمد، گورکن جَهَنده نام گرفت. پدرش رئیس قبیلهٔ هانک پاپا سو بود و از تولد پسری در خانواده‌اش بسیار خوشحال شد.

گورکن جهنده کودکی غیرعادی بود؛ بسیار آرام و بسیار هشیار و تیزبین.

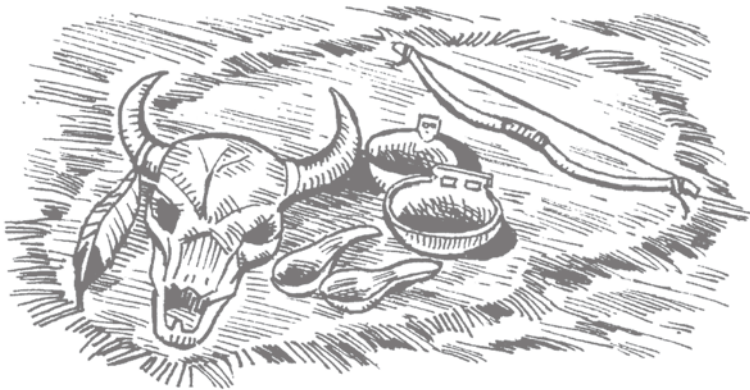
هنگامی که تازه راه افتاده بود اگر چیزی، حتی غذا، به او تعارف می‌کردند، هرگز آن را نمی‌قاپید. بلکه قبل از گرفتن، آن را با علاقه و به طور جدی بررسی می‌کرد. هر وقت از او سؤال می‌کردند، قبل از جواب دادن با دقت فکر می‌کرد. با توجه به این‌که در انجام هیچ کاری عجله نمی‌کرد، مادر و دو خواهرش دیگر او را گورکن جهنده صدا نکردند؛ به جای آن او را «آرام» نامیدند.

«آرام» در سه یا چهار سالگی، سواری با اسب کوچک را یاد گرفت. یکی دو سال بعد، پدرش اولین تیر و کمان را به او داد. هم کمان و هم تیرهایش کوچک، اما قابل استفاده بودند. به زودی «آرام» با استفاده از همین تیر و کمان به شکار خرگوش، سنجاب و پرنده پرداخت.

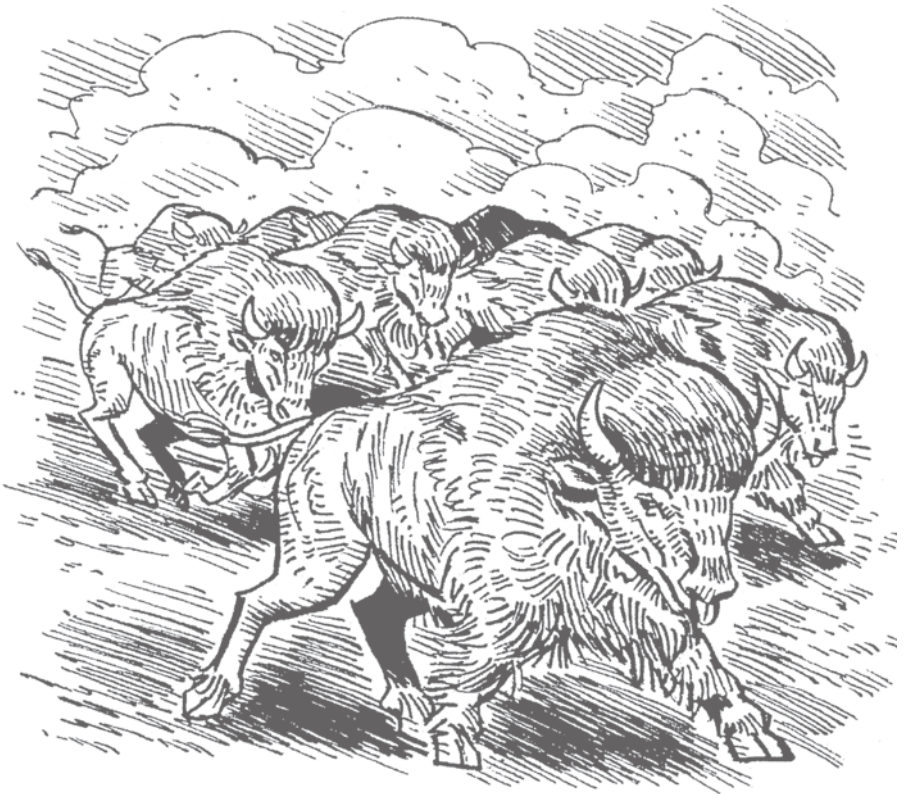


مدتی نگذشت که او برای خود تیر و کمان ساخت.

«آرام» مثل همهٔ پسران نوجوان قبیله، با اشتیاق منتظر بود که به شکار بوفالو برود. این جانوران بسیار بزرگ و سنگین، برای افراد قبیلهٔ هانک‌پایا اهمیت زیادی داشتند. افراد این قبیله گوشت بوفالو را می‌خوردند و از پوست آن خیمه، پتو، و لباس درست می‌کردند. از شاخ‌های بوفالو فنجان و قاشق می‌ساختند، با استفاده از تاندون (زرد پی) بوفالو، زه کمان می‌ساختند و چربی بوفالو را با پودرهای رنگی مخلوط می‌کردند تا هنگام جنگ صورت و بدن خود را با آن نقاشی کنند. بوفالو تقریباً همهٔ نیازهای آن‌ها را برآورده می‌کرد و به همین علت شکرگزار بودند. آن‌ها به درگاه خدای بوفالو نیایش می‌کردند و در مراسم دینی از جمجمهٔ بوفالو استفاده می‌کردند. در نظر آن‌ها، اولین شکار بوفالو برای هر پسری بسیار مهم بود. این نخستین گام او به سوی مرد شدن شمرده می‌شد.



هنگامی که «آرام» برای اولین بار به شکار بوفالو رفت، چندین جنگجو، شامل پدر و دو عمویش، عضو گروه شکارچیان بودند. «آرام» می‌خواست مایهٔ افتخار آن‌ها شود. شکارچیان در دشت سواری کردند تا این‌که گله‌ای بوفالو یافتند. سپس به تعقیب بوفالوها پرداختند. صدها بوفالو رم کردند و پا به فرار گذاشتند؛ پشت سر خود ابرهای ضخیمی از گردوغبار بلند کردند که جلو دید را می‌گرفت. زمین زیر سُم بوفالوها می‌لرزید.



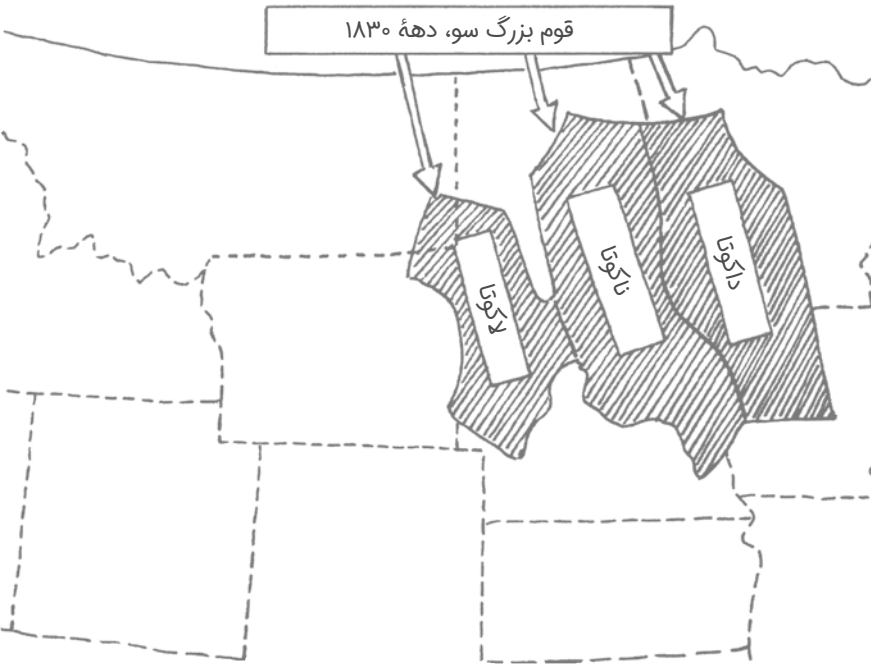
صدای جانوران گوش را کر می‌کرد. «آرام» بوفالوی جوانی را در گله زیر نظر گرفت، آن را تعقیب کرد و با دو تیری که از کمانش رها کرد، بوفالو را از پای درآورد.

وقتی به اردوگاه برگشتند، گوشت بوفالو را به خانواده‌ای هدیه داد که به غذا نیاز داشتند. مهربانی و نوع دوستی او باعث سربلندی پدرش شد. سخاوت یکی از چهار صفتی بود که سرخ‌پوستان قبیله سو، بیش از هر چیز دیگر، تحسین می‌کردند. سه صفت دیگر عبارت بودند از قدرت، خرد، و شجاعت.



قوم بزرگ سو

در دههٔ ۱۸۳۰، سرخ‌پوستان سو، که قوم بزرگ سو نامیده می‌شدند، قدرتمندترین قوم سرخ‌پوست ساکن گریٹ پلینز یا «دشت‌های بزرگ» آمریکا بودند. سرزمین پهناوری داشتند که مساحت آن به



۱/۳ میلیون کیلومتر مربع می‌رسید و از رود میسوری در شرق تا رود یلوستون در غرب، و از رود پلّت در جنوب تا کانادا در شمال، گسترده بود. در بیشتر طول سال، سرخ‌پوستان سو در سرزمین خود سفر می‌کردند و در تعقیب گله‌های بوفالو، از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر می‌رفتند.

قوم سو از سه گروه اصلی تشکیل شده بود: لاکوتا، داکوتا، و ناکوتا. همهٔ آن‌ها به یک زبان (البته با تفاوت‌های جزئی) سخن می‌گفتند. یک «روح بزرگ» را می‌پرستیدند که واکان نانکا نام داشت. هر گروه از چندین شاخه یا قبیله تشکیل شده بود. خانوادهٔ گاو نشسته به یکی از هفت قبیلهٔ لاکوتا تعلق داشت که هانک‌پایا نامیده می‌شد. شش قبیلهٔ دیگر عبارت بودند از بلک‌فیت، برول، مینی‌کونجو، اوگللا، سانس آرک، و تو کیتلز. قبیله‌های مختلف قوم سو با هم دوست بودند. آن‌ها جدا از هم زندگی می‌کردند، اما گاهی برای شکار به هم می‌پیوستند. هر وقت لازم می‌شد، با هم متحد می‌شدند و در برابر دشمن مشترک خود می‌جنگیدند.